Archive of SID.ir

مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی/ دوره ۲۷، شماره دوم (پیاپی۹۵)، تابستان ۱۴۰۲/صص ۹۵ - ۱۲۰
The Knowledge Studies in The Islamic University, Vol. 27, Issue.2, No.95, pp 95-120
شناسه دیجیتال: **10.22034/ksiu.2023.95.95**

مقاله پژوهشی اصیل
Original Article

مقایسهٔ دیدگاه شهید صدر و شهید مطهری در خصوص عدالت اقتصادی از منظر نظریهٔ سیستم‌ها

عبدالمحمد کاشیان[۱]

چکیده

هدف: نظریهٔ سیستمیِ عدالت یعنی تنها برایند عملکردیِ مجموعه‌ای از عناصر یا خرده‌نظامهای مرتبط با یکدیگر به تحقق عدالت منجر می‌شود. مقالهٔ حاضر ضمنِ تبیین این نظریه، با تکیه بر آرای شهید صدر و شهید مطهری، رویکرد ایشان را در خصوص عدالت اقتصادی با رویکرد سیستمی، تبیین و با استفاده از تحلیل مقایسه‌ای، نقاط تفارق و تشابه آن را شناسایی کرده است. **روش:** روش مورد استفاده در این پژوهش، تحلیل محتوا یا تحلیل مضمون بود که شامل تحلیل محتوای آثار شهید مطهری و شهید صدر در حوزهٔ عدالت می‌شود. **یافته‌ها:** نظریهٔ سیستمی عدالت اقتصادی در آرای شهید صدر و شهید مطهری به صورت ضمنی بیان شده، اما هرگز به صورت یک نظریه تبیین نشده است. از مهم‌ترین یافته‌های پژوهش حاضر، تبیین نظریهٔ سیستمی عدالت اقتصادی شهید مطهری و شهید صدر بود. **نتایج:** نتایج به دست آمده دلالت بر آن داشت که با در نظر گرفتن چهار مؤلفهٔ هدف، اجزا، مبنا و روابط، به عنوان ارکان اصلی یک سیستم، نظریهٔ سیستمی عدالت اقتصادی شهید صدر و شهید مطهری از لحاظ هدف و مبنا دارای تشابه قابل توجهی‌اند؛ اما در اجزا و روابطی که سیستم را به سوی عدالت سوق می‌دهند، تفاوتهای قابل ملاحظه‌ای دارند.

واژگان کلیدی: عدالت اقتصادی، توزیع، صدر، مطهری، سیستم.

◈ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۹

۱. دکترای علوم اقتصادی، استادیار گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اداری، دانشگاه سمنان. سمنان، ایران(نویسنده مسئول). نشانی: سمنان؛ میدان استاندارد، دانشگاه سمنان، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اداری. نمابر: ۰۲۳۳۳۶۵۴۰۷۸ /a.m.Kashian@profs.semnan .ac.ir

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

الف) مقدمه و بیان مسئله

عدالت، مطلوب بالذات بشریت در تمامی اعصار بوده و همواره از آن به عنوان یک ارزش انسانی و اجتماعی یاد شده است. اندیشمندان نیز همواره از آن به عنوان یک موضوع مهم اجتماعی یاد کرده و له یا علیه آن استدلال کرده‌اند. بخش زیادی از نظریه‌های سیاسی، اقتصادی و جامعه‌شناختی به دنبال تبیین معنا، جایگاه و خاستگاه عدالت بوده و بسیاری از پژوهشها به بیان راهکار برای تحقق آن پرداخته‌اند. به همان اندازه که گسترهٔ پژوهشی در حوزهٔ عدالت وسیع است، اختلاف نظر در ابعاد مختلف عدالت نیز چشمگیر است.

یکی از روشهای بررسی نظریه‌های عدالت، تکیه بر نظریهٔ سیستم‌هاست. نظریهٔ سیستمی عدالت؛ یعنی تنها برایند عملکردی مجموعه‌ای از عناصر یا خرده‌نظامهای مرتبط با یکدیگر به تحقق عدالت منجر می‌شود؛ زیرا گسترهٔ مفهومی عدالت و شئون آن به قدری وسیع و متکثر است که تحقق آن جز با اتخاذ یک رویکرد سیستمی امکان‌پذیر نیست. از این منظر، برای تحقق عدالت می‌بایست ارکان مختلفی از نهادهای یک جامعه در کنار هم و در ارتباط معیّن با یکدیگر در تحقق عدالت نقش ایفا کنند و در نتیجه، هر یک از اجزا به تنهایی قدرت انجام آن را ندارند. در این زمینه، بررسی آرای اندیشمندان و صاحبان اندیشه، موضوعی اساسی و مهم تلقی می‌شود؛ لذا دیدگاه اندیشمندانی همچون شهید صدر و شهید مطهری که از متفکران بزرگ اسلام و از پیشگامان اقتصاد اسلامی‌اند، شایستهٔ بحث و بررسی است. از مجموع آثار ایشان چنین برداشت می‌شود که هر یک از ایشان دارای یک منظومهٔ فکری نظام‌مند و سیستمی در حوزهٔ عدالت اقتصادی‌اند؛ اما تاکنون نظریهٔ عدالت ایشان از منظر نظریهٔ سیستم‌ها تجزیه و تحلیل نشده است.

بر این اساس، مقالهٔ حاضر به بررسی نظریهٔ سیستم‌ها و تطبیق آن با عدالت پرداخته و به دنبال آن است که بر اساس روش تحلیلی و در چارچوبی منسجم، نظریهٔ عدالت اقتصادی شهید مطهری و شهید صدر را از منظر نظریهٔ سیستم‌ها، تبیین و در ادامه با مقایسهٔ نظریهٔ آن دو بزرگوار، نقاط افتراق و تشابه آن را بیان کند. بدین منظور، ضمن بررسی اهداف و سؤالات پژوهش، به بررسی پیشینهٔ پژوهش پرداخته و در ادامه به بررسی چارچوب نظری پژوهش می‌پردازد. در پایان مقاله نیز یافته‌های پژوهش ارائه خواهد شد و نظریات مقایسه می‌شود.

۱. اهداف و سؤالات

سؤالات اصلی پژوهش عبارتند از:

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

- آیا شهید صدر و شهید مطهری دارای نظریهٔ عدالت اقتصادی سیستمی‌اند؟
- در صورت مثبت بودن پاسخ، آن نظریه پردازش و تبیین شود.
- نقاط اشتراک و افتراق این دو نظریه چیست؟

فرضیهٔ مقالهٔ حاضر این است که: نگاه سیستمی در آرای شهید صدر و شهید مطهری به صورت ضمنی بیان شده و در قالب نظریه تبیین نشده است. لذا این مقاله در صدد کشف نگاه سیستمی شهید صدر و شهید مطهری است تا بتواند در محملی مقایسه‌ای، نقاط تشابه و تفارق آن را شناسایی کند. این مهم با تحلیل محتوای آثار این دو متفکر اقتصاد اسلامی انجام خواهد گرفت و ابعاد و جزییات نگاه سیستمی ایشان به مقولهٔ عدالت اقتصادی، کشف و تبیین خواهد شد. مهم‌ترین رهاورد این پژوهش، تأکید بر لزوم توجه به نظریهٔ سیستم‌ها در تحقق عدالت اقتصادی و شناخت ابعاد مختلف آن است.

۲. پیشینه

تحقیقات متعددی بر آن بوده‌اند که عدالت را از منظر شهید صدر و شهید مطهری مورد بحث و بررسی قرار دهند، اما هیچ‌کدام دیدگاه ایشان را در خصوص عدالت، از منظر نظریهٔ سیستم‌ها، تجزیه و تحلیل نکرده‌اند.

در خصوص نظرات شهید مطهری می‌توان به مقالهٔ طغیانی(۱۳۸۱) با عنوان «عدالت اجتماعی از دیدگاه متفکر شهید مرتضی مطهری» اشاره کرد که صرفاً به بررسی و تبیین معنای عدالت از نظر وی بسنده کرده است. رودگر(۱۳۸۸)، عدالت جنسیتی از دیدگاه علامه طباطبایی و شهید مطهری را مطالعه کرده است. خرمشاد و ساوه‌درودی(۱۳۹۱) به بررسی عدالت در اندیشهٔ متفکرین اسلامی و مقایسهٔ تطبیقی آرای رهبر انقلاب اسلامی و شهید مطهری پرداخته‌اند. رمضانی(۱۳۹۲) نظریهٔ «استخدام» و خاستگاه ارزشی «عدالت» را از دیدگاه علامه طباطبایی و بر اساس تفسیر شهید مطهری، مصباح یزدی و جوادی آملی بررسی کرده است. امیری و اکبرزاده(۱۳۹۲) به بررسی تطبیقی آرای رالز و مطهری دربارهٔ عدالت توجه داشته‌اند. شهابی(۱۳۹۴) به تحلیل عدالت طبیعی بر مبنای اعتبار هنجار حقوقی در حقوق اسلامی با تأکید بر آرای شهید مطهری و علامه طباطبایی پرداخته است. شمس و همکاران(۱۳۹۷) به تحلیل مفهوم، مبانی، اهداف و اصول عدالت تربیتی از منظر شهید مطهری پرداخته‌اند. رضایی و همکاران(۱۳۹۷) به آسیب‌شناسی الگوی عدالت در دولتهای جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر اندیشهٔ مطهری و امام خمینی پرداخته‌اند. عباس‌تبار و فولادی(۱۳۹۷)

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

نیز عدالت سیاسی در اندیشهٔ شهید مطهری و راولز را در یک نگاه تطبیقی مورد مداقه قرار داده‌اند.

در خصوص آرای شهید صدر نیز می‌توان به مقالهٔ حسینی(۱۳۸۷) اشاره کرد که به بررسی انتقادی نظریهٔ شهید صدر در خصوص معیارهای عدالت اقتصادی از منظر اسلام پرداخته است. همچنین جمشیدی(۱۳۹۲) که به تبیین رابطهٔ عدالت با سیاست در اندیشهٔ شهید صدر پرداخته است. سرآبادانی و پیغامی(۱۳۹۶) در «تبیین مفهومی نظریهٔ عدالت اجتماعی در اندیشهٔ شهید صدر» صرفاً به بیان کلیات پرداخته و تفسیری کلی از نظریهٔ شهید صدر ارائه کرده‌اند. میرمعزی و نظریان مفید(۱۳۹۸) نیز به بررسی کارایی روش شهید صدر در کشف نظریهٔ اسلامی عدالت اقتصادی پرداخته و روشی را که ایشان برای رسیدن به عدالت به کار برده، تجزیه و تحلیل کرده‌اند. سایر تحقیقات نیز همین‌گونه‌اند. تنها در یک پژوهش(جلیلی و همکاران، ۱۳۹۷)، مقایسهٔ دیدگاه شهید صدر و مطهری در خصوص عدالت اتفاق افتاده که آن نیز گذری سطحی بر موضوع داشته و نگاه سیستمی ایشان را تجزیه و تحلیل نکرده است.

بررسی تحقیقات پیشین دلالت بر آن دارد که بیان نگاه سیستمی به مسئلهٔ عدالت اقتصادی تقریباً هیچ سابقه‌ای ندارد و نوآوری این مقاله نیز در همین بیان است.

۳. چارچوب نظری

یک) نظریهٔ سیستم‌ها

وقتی سخن از یک سیستم یا نظام به میان می‌آید، منظور مجموعه‌ای از اجزا یا عناصر مرتبط با یکدیگر است که بر اساس مبنای مشخصی، هدف معیّنی را دنبال می‌کنند. به عبارت دیگر؛ هر سیستم دارای اجزایی است که در ربط معیّنی با یکدیگر و بر اساس مبنایی مشخص، هدف معیّنی را دنبال می‌کنند(درخشان، ۱۳۸۷: ۲۸). به منظور تشریح دقیق نظریهٔ سیستم‌ها، در ادامه، ارکان اصلی آن بررسی می‌شود.

عناصر: هر نظامی الزاماً دارای اجزا و عناصر است. اجزای یک نظام، هر یک خصلت یا خصوصیتی خاص دارند و آنگاه که کنار هم قرار می‌گیرند(در یک ربط سیستمی واقع می‌شوند)، خصلت مشترک یا ترکیبی آنها ظاهر می‌شود که این خصلت در هیچ کدام از عناصر و اجزا ملاحظه نمی‌شود؛ یعنی یک جزء در یک سیستم، خصلتش غیر از خصلت آن سیستم است. از طرف دیگر، اگر یکی از اجزای مزبور را از سیستم حذف کنیم، مسلماً خصلت ترکیبی نظامی که قبلاً وجود داشت، ظاهر نخواهد شد. لازمهٔ تحقق خصلت یک نظام، وجود «اختلاف» در یک سیستم است؛ هر چه اختلاف در کمّیت یا کیفیت اجزا یا

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

رابطهٔ بین اجزای یک سیستم بیشتر شود، در این صورت سیستم پیچیده‌تر خواهد شد.(درخشان، ۱۳۸۷: ۳۰)

عناصر یک نظام، اجزایی‌اند که خود قابل تقسیم نباشند یا علاقه‌ای به تقسیم آن وجود نداشته باشد. در صورت اول، مفهوم نظام دیگر بر جزء انطباق ندارد؛ زیرا خود از اجزایی تشکیل نشده تا بتواند از هماهنگی برخوردار باشد. اما در مورد دوم که جزء قابل تقسیم به اجزاست، می‌توان جزء را به عنوان نظام در نظر گرفت. در این صورت، با زیرسیستم یا نظام فروتری در نظام روبه‌رو هستیم. بدین ترتیب، معمولاً یک نظام در بر گیرندهٔ زیرسیستمهایی است و در عین حال، خود می‌تواند عنصری از یک سوپرسیستم یا فرانظام باشد.(نمازی، ۱۳۸۹: ۳۴)

روابط: ارتباط میان عناصر موجب می‌شود هر یک از فعالیتهای اجزا، مستقل از یکدیگر نباشند. فعالیت یک جزء می‌تواند نتیجهٔ رفتار جزء دیگر باشد و باز در جزء سوم تأثیر بگذارد. رفتار نظام یا سیستم، در کل تابع رفتار عناصر آن است و در واقع؛ ارتباط‌ها پیوندهایی میان اجزا هستند که رفتار آنها و در نتیجه رفتار کل سیستم را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در ضمن، درجهٔ پیچیدگی هر نظام با میزان پیوند میان اجزای آن رابطهٔ مستقیم دارد. هرچه پیوندها بیشتر باشد، در نتیجه رفتارها و فعالیتها تحت تأثیر عوامل بیشتری قرار خواهند گرفت.(همان)

هدف/منظور: اجزا و عناصری که در ارتباط با یکدیگر در یک نظام ملاحظه می‌شوند، خصلت مشترک یا خصلت ترکیبی خاص به وجود می‌آورند که در یک کلمه می‌توان آن را کارایی، نقش، جهت یا هدف آن سیستم نامید. مسلماً اگر کوچک‌ترین تغییری در ارتباط بین اجزای مزبور حاصل شود، سیستم جدید دیگر کارایی و خصلت سابق را نخواهد داشت.(درخشان، ۱۳۸۷: ۲۹)

به طور کلی، هر نظام دارای هدف یا منظور است یا هر دو. اهداف نظامهای موجود در طبیعت که به وسیلهٔ انسان ایجاد نشده‌اند، درون آنها تعبیه شده است. ساختار این نظامها به شکلی است که تعادل نظام را به همراه دارد. این ساختار را معمولاً می‌توان به عنوان محتمل‌ترین ساختار به حساب آورد که از نظم طبیعی حکایت دارد و بدون توجه به منظور انسانها عمل می‌کند. حال، این ساختار می‌تواند با توجه به منظور انسان و دیدگاه او، بی‌نظمی به حساب آید. یک نظام در صورتی دارای منظور است که در محل خود و در جهت علایق انسانها، نقشهایی را که باید، ایفا کند. نظامهای مصنوعی که به وسیلهٔ انسان ایجاد شده‌اند، با منظورهای خاصی به وجود آمده‌اند؛ بنابر این، منظور یک نظام در ارتباط با خارج نظام و از دیدگاه انسان به وجود می‌آید. همچنین یک نظام ممکن است دارای اهداف یا منظورهای

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

متعدد باشد و حتی میان اهداف و منظورهای آن ناهمسویی باشد. در این صورت، نظام دارای تضاد در اهداف یا منظورها خواهد بود.(نمازی، ۱۳۸۹: ۳۷)

مبنا: مهم‌ترین مسئله در تحلیل نظامها، مبنای یک نظام است. به عبارت دیگر؛ هدف، معلولی است که علتی می‌خواهد. به علت تحقق هدف در یک نظام، «مبنای آن نظام» گفته می‌شود. هر نظامی اعم از اینکه به صورت طبیعی باشند یا به صورت آگاهانه تنظیم شده باشند، در این امر مشترک‌اند که اجزای موجود در آن نظام به صورت خاص در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند؛ به طوری که از این طریق بتوانند هدف سیستم را نتیجه دهند. «مبنا» در حقیقت، چگونگی در کنار یکدیگر قرار گرفتن اجزا را مشخص می‌کند؛ یعنی کیفیت روابط را معیّن می‌سازد. لذا رابطهٔ «مبنا» و «هدف»، رابطهٔ علت و معلولی است.(درخشان، ۱۳۸۷: ۲۹)

دو) سیستم‌ها و عدالت

چنانچه تحقق عدالت به عنوان هدف نظام اقتصادی اسلام در نظر گرفته شود و برای تحقق آن به سیستمی بودن مسئله توجه شود، ناگزیر می‌بایست به دنبال اجزایی بود که در ارتباط معیّنی با یکدیگر و بر اساس مبنایی مشخص به تحقق آن هدف؛ یعنی عدالت کمک کنند. هدف، اجزا، مبنا و روابط، چهار مؤلفهٔ اصلی هر سیستم‌اند و تمایز سیستم‌ها بر اساس تمایز در این چهار مشخصه قابل بررسی است. حال در خصوص بررسی نظریه‌های عدالت، این چهار فاکتور به عنوان ارکان تحلیلی مورد توجه قرار می‌گیرد.

بر اساس تعریف سیستم؛ در نظریه‌های عدالت سیستمی در حالی که همهٔ اجزای سیستم تبلوری از مبنای آن‌اند، اصل اساسی در تحقق هدف سیستم، اجزای آن است؛ اجزایی که نقش بسیار مهمی در تحقق هدف، یعنی عدالت دارند. اجزا در روابط متقابلی که کیفیات جدیدی را نتیجه می‌دهند و آن کیفیات نیز در ارتباط متقابل با یکدیگر کیفیت جدیدی را به وجود می‌آورند، مسیری را طی می‌کنند تا برایند کیفیات جدید به تحقق هدف سیستم(عدالت) منجر شود. لذا روابط بین اجزا که هر یک تبلور مبنای آن نظام‌اند، باید بر اساس مبنای آن نظام تنظیم شود تا هدف نظام حاصل شود(درخشان، ۱۳۸۷: ۵۰). این تفسیر در خصوص نظریهٔ سیستمی عدالت شهید صدر و شهید مطهری به عنوان معیار قرار می‌گیرد.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

ب) روش تحقیق

روش استفاده‌شده در این پژوهش، روش تحلیل محتوا یا مضمون است. این روش از گذشته‌ای نسبتاً دور استفاده می‌شده و امروزه نیز در علوم اجتماعی و خارج از آن، کاربرد فراوانی دارد. روش تحلیل محتوا در ساده‌ترین شکل، به بیرون کشیدن مفاهیم مورد نیاز پژوهش از متن مورد مطالعه می‌پردازد؛ مفاهیمی که در قالب مقولاتی منظم سامان می‌یابند. روش تحلیل محتوا بر این فرض بنا شده است که با تحلیل پیامهای زبانی می‌توان به کشف معانی، اولویتها، نگرشها، شیوه‌های درک و سازمان‌یافتگی جهان دست‌یافت(ویلکینسون و بیرمنگام، ۲۰۰۶: ۶۸). محقق با رجوع به داده‌های مطالعه، به‌تدریج آنها را خلاصه می‌کند تا در نهایت به اصلی‌ترین مفاهیم و مضامین مرتبط با موضوع تحقیق دست پیدا کند. در واقع؛ تحلیل محتوای کیفی با رویکرد استقرایی، دستیابی به اهداف ذیل را دنبال می‌کند:

- ✓ تبدیل اطلاعات متنی گسترده به مطالب خلاصه و چکیده، و استخراج اصلی‌ترین مضامین موجود در آن؛
- ✓ ایجاد ارتباط دقیق و روشن میان پرسشهای تحقیقی و یافته‌های به دست‌آمده؛
- ✓ ایجاد یک مدل یا نظریه پیرامون ساختار متن مورد مطالعه یا کشف فرایندهایی که در متن مستتر است.

از این منظر، تحلیل محتوای کیفی، از داده‌های متنی پراکنده حرکت می‌کند و با بیرون کشیدن مفاهیم مستتر در آن، به تدریج به سطوح انتزاعی‌تری از متن دست می‌یابد. دستیابی به یک مدل یا چارچوب نظری که نظمهای نهفته و الگوهای تکرارشونده در متن را نشان دهد، می‌تواند پایان‌بخش تحقیق باشد. در بخش پایانی این دست تحقیقات، یافته‌های برخاسته از متن، ارائه و تفسیر می‌شوند. از آنجا که هدف اصلی این مقاله تبیین نظریهٔ سیستمی شهید صدر و شهید مطهری در حوزهٔ عدالت اقتصادی است، با رجوع به مبانی نظری تحقیق می‌توان دریافت که تبیین نظریهٔ سیستمی نیازمند دستیابی به چهار محور اساسی هدف، اجزا، مبنا و ربط است. این مقاله با تحلیل محتوای آثار شهید صدر و شهید مطهری، مفاهیم مرتبط به هر یک از چهار محور را شناسایی و تلخیص کرده و در قالب یک نظریه ارائه می‌کند.

برای کشف نگاه سیستمی شهید مطهری به مسئلهٔ عدالت اقتصادی، تمامی آثار ایشان که در آنها به بحث عدالت پرداخته شده، مورد توجه قرار گرفت. در مجموع، ۱۴ اثر ایشان حائز اهمیت شناخته شد که عناوین آنها در فهرست منابع آورده شده است. در خصوص کشف نگاه سیستمی شهید صدر نیز کتابهای متعددی از ایشان دیده شد؛ اما منسجم‌ترین اثر که این

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

نگاه سیستمی را به طور کامل بروز و ظهور داده است، کتاب «اقتصادنا» است که در کنار آثار دیگر می‌تواند گویای نظریهٔ سیستمی ایشان به مسئلهٔ عدالت اقتصادی باشد.

ج) یافته‌های پژوهش

بر اساس آنچه در بخشهای پیشین اشاره شد، در این بخش حسب مبانی نظری ارائه‌شده و روش تشریح‌شده، به سؤالات پژوهش پاسخ داده می‌شود.

۱. آیا شهید صدر و شهید مطهری دارای نظریهٔ عدالت اقتصادی مبتنی بر نظریهٔ سیستم‌ها می‌باشند؟

یافته‌های پژوهش دلالت بر آن دارد که نگاه سیستمی به اسلام و در سطحی پایین‌تر مسئلهٔ عدالت، در اعماق اندیشهٔ شهید صدر و شهید مطهری جای گرفته است؛ آنجا که شهید صدر در بیان لزوم داشتن نگاه سیستمی، نه تنها به مسئلهٔ عدالت، بلکه به کل اسلام می‌نویسد: «در اقتصاد اسلامی مجاز نیستیم یک جزء را جدای از اجزای دیگر تفسیر کنیم، کما اینکه مجاز نیستیم اقتصاد اسلامی را جدای از دیگر قسمتهای اسلام تفسیر نماییم. به همین دلیل باید اقتصاد اسلامی را در چارچوب کلی اسلام، تفسیر و ارتباط آن را با نظام سیاسی و فرهنگی و سایر بخشهای اسلام تبیین کرد. بررسی منفک اقتصاد اسلامی، خطای محض است. ... در تحقیقات اقتصاد اسلامی باید توجه داشت که اقتصاد اسلامی قسمتی از شکل عام اسلامی زندگی کردن است و این شکل عام بر اساس اصول اساسی جامعهٔ اسلامی پی‌ریزی شده است»(صدر، ۱۳۸۵: ۲۹۳). ایشان به صراحت، لزوم ارتباط برقرار کردن بین اجزای سیستم را بیان می‌دارد و در بخشی از اقتصادنا به بیان ارتباط اقتصاد اسلامی و عقیده، اقتصاد اسلامی با مفاهیم جهان و زندگی و روش خاص اسلام در تفسیر اشیا، اقتصاد اسلامی با عواطف و احساسات، اقتصاد اسلامی و نظام مالی دولت، اقتصاد اسلامی و نظام سیاسی اسلام، بین تحریم ربا و سایر احکام، احکام مالکیت خصوصی و جهاد، اقتصاد اسلامی و قانون جنایی اسلام به صورت مستقیم اشاره می‌کند(همان: ۲۹۶) و در بسیاری از موارد، از همین نگاه سیستمی به صورت غیر مستقیم برای رسیدن از روبناها به زیربناهای مدّ نظر خود استفاده می‌کند.

شهید مطهری نیز چنین نگاهی را به اسلام و قوانین آن دارد و معتقد است تنها در پرتو نگاه سیستمی می‌توان به شناخت درست از اسلام دست یافت. او حتی وجود اقتصاد اسلامی را از همین نگاه سیستمی به اسلام اثبات می‌کند و می‌گوید کسانی که فکر می‌کنند مسائل زندگی از یکدیگر جداست...، تعجب و احیاناً انکار می‌کنند که کسی مسئله‌ای به نام «اقتصاد اسلامی» طرح کند. ... بعضی پا فراتر نهاده و گفته‌اند زندگی به طور کلی یک مسئله است و

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

دین مسئلهٔ دیگر؛ دین را نباید با مسائل زندگی مخلوط کرد. این اشخاص اشتباه اولشان این است که مسائل زندگی را مجرد فرض می‌کنند. خیر؛ زندگی یک واحد و همهٔ شئونش توأم با یکدیگر است؛ صلاح و فساد در هر یک از شئون زندگی، در سایر شئون مؤثر است؛ ممکن نیست اجتماعی مثلاً فرهنگ یا سیاست، یا قضاوت یا اخلاق و تربیت یا اقتصادش فاسد باشد، اما دینش درست باشد و بالعکس.(مطهری، ۱۳۷۷: ۱۷-۱۶)

از آنچه بیان شد می‌توان گفت وجود نگاه سیستمی، هم در شهید مطهری و هم در شهید صدر، به وضوح قابل تشخیص است. اینکه نمی‌توان یک جزء از اسلام را به تنهایی تفسیر کرد، جزیی از اندیشه و فکر ایشان بوده است. همین مسئله می‌تواند مبنای ورود مقاله به شناخت نظریهٔ سیستمی عدالت اقتصادی از منظر ایشان باشد. به تعبیری، اگر بپذیریم که شهید صدر و شهید مطهری قائل به تفسیر سیستمی از اسلام‌اند و عدالت نیز می‌تواند هدفی باشد که رسیدن به آن مستلزم در اختیار داشتن یک سیستم است، گام بعدی یافتن اجزایی است که در ربط معیّنی با یکدیگر و بر اساس مبنایی مشخص، هدف اصلی سیستم؛ یعنی عدالت را دنبال می‌کنند. این مسئله به طور ایجابی در آرای شهید مطهری و شهید صدر وجود دارد و در ادامه بدان پرداخته خواهد شد.

۲. با توجه به اثبات وجود نگاه سیستمی شهید صدر و شهید مطهری به مسئلهٔ عدالت اقتصادی و امکان تبیین نظریهٔ ایشان از منظر نظریهٔ سیستمی، آن نظریه چگونه تبیین می‌شود؟

پاسخ به این سؤال با استفاده از روش تحلیل محتوا در دو بخش مجزا ارائه خواهد شد. بخش اول به تبیین نظریهٔ شهید صدر و بخش دوم به تبیین نظریهٔ شهید مطهری اختصاص خواهد داشت.

یک) تبیین نظریهٔ سیستمی عدالت شهید صدر

حسب مبانی نظری تحقیق که پیش‌تر بحث شد؛ تبیین نظریهٔ سیستمی عدالت اقتصادی، مستلزم بحث و نتیجه‌گیری دربارهٔ چهار محور اصلی سیستم؛ یعنی هدف، مبنا، اجزا و روابط است که در ادامه، هر یک توضیح داده خواهند شد.

هدف: تحقق عدالت

ورود شهید صدر به مسئلهٔ عدالت از دو مبدء مختلف شروع می‌شود و هر یک آثار خاص خود را به همراه دارد. یک جا شهید صدر به مسئلهٔ ارکان اصلی اقتصاد اسلامی پرداخته و با نگاه مقایسه‌ای، مالکیت مختلط، آزادی در کادر محدود و عدالت اجتماعی را به عنوان ارکان اصلی اقتصاد اسلامی برمی‌شمرد(صدر، ۱۳۸۵: ۲۸۶). شهید صدر در این نگاه، مشخصهٔ

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

اصلی اقتصاد اسلامی را در مقایسه با اقتصاد سرمایه‌داری، در عدالت می‌داند. محل دوم ورود شهید صدر به مسئلهٔ عدالت، بیان علل و ماهیت مشکلات اقتصادی است. به تعبیر وی، همهٔ امواج فکری در اقتصاد اعتقاد دارند که مشکلی در اقتصاد و معیشت مردم وجود دارد و به دنبال شناخت، ماهیت و رفع آن می‌روند. سرمایه‌داری مشکل را در منابع محدود و خواسته‌های نامحدود می‌داند و در مقابل، مارکسیسم مشکل اقتصادی را تضاد بین شکل تولید و روابط توزیع می‌داند(همان: ۳۲۹). به اعتقاد شهید صدر، بینش اسلامی دلالت بر آن دارد که طبیعت می‌تواند همهٔ نیازهای انسان را مرتفع سازد؛ لذا از این منظر با رویکرد نظام سرمایه‌داری مخالف است. از سوی دیگر، به دلیل نقدهایی که به نظریهٔ دیالکتیکی هگل و ماتریالیسم تاریخی مارکس و کاربرد آن در تغییر و تحول نظامات اقتصادی وارد می‌آورد، اساساً آن را نیز مطرود می‌شمارد(همان: ۳۳۰). استناد شهید صدر که در واقع ورود او به مسئلهٔ عدالت نیز می‌باشد، مربوط به آیات ۳۲ تا ۳۴ سورهٔ مبارکهٔ ابراهیم و آیات مشابه است که دلالت بر آن دارند که نعمتهای خداوند بیش از آن است که افراد بتوانند آن را شمارش کنند؛ اما آنچه باعث ایجاد مشکلات شده، ظلم و کفر انسان است: «ان الانسان لظلوم کفار»؛ ظلمی که خود را در روابط توزیعی نشان می‌دهد و کفری که خود را در روابط تولیدی نشان می‌دهد. در واقع؛ کفر به نوعی ترجمان عدم بهره‌وری صحیح از منابع یا همان کفران نعمت است. بر همین اساس، اسلام با ترسیم یک سری روابط توزیعی عادلانه، مسئلهٔ ظلم را برطرف کرده و دربارهٔ کفر نیز راه حل دارد. تبیین این رویکرد اسلام نقش زیادی در تبیین چارچوبهای اقتصاد اسلامی دارد(همان). تمامی بحثهای بعدی شهید صدر در اقتصادنا و سایر آثار اقتصادی ایشان، معطوف به همین دو جنبه از مشکلات جامعهٔ بشری، یعنی کفر و ظلم است و معتقد است ایجاد عدالت برای مواجهه با ظلم و ارتقای بهره‌وری و کارایی تولید برای مواجهه با کفر، می‌تواند مسائل جامعهٔ بشری را به سمت مناسب هدایت کند.

مبنا

بدون تردید مبنای شهید صدر در ایجاد عدالت اقتصادی، تکیه بر قرآن و سیرهٔ ائمهٔ هدی علیهم‌السلام است. استدلال شهید صدر بر این اساس است که اقتصاد اسلامی در عهد رسول خدا به وجود آمد و جامعهٔ اسلامی بر اساس آن، مشکلات خود را حل می‌کردند؛ اما در طول زمان این نظام مطلوب از بین رفت و غبار تاریخ بر چهرهٔ آن نشست. حال، وظیفهٔ ما اکتشاف آن چیزی است که رسول خدا با خود به همراه آورد و باید به دنبال آن باشیم که غبار تاریخ را از چهرهٔ آن بزداییم. به عبارتی؛ ما به دنبال تکوین اقتصاد اسلامی نیستیم، بلکه

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

به دنبال کشف مکتب اقتصاد اسلامی هستیم تا از این طریق، مشکلات اقتصادی نشأت گرفته از کفر و ظلم را ریشه‌کن کنیم. به تعبیر دیگر؛ اقتصاد اسلامی دارای زیربناهایی است که از دست ما خارج است و بر اساس آن زیربناها بوده که روبناها شکل گرفته است. در حال حاضر ما روبناها را داریم، ولی دستمان از زیربناها خالی است. نظام مالی و نظام حقوقی و احکامی که در اسلام مطرح شده است، بخشی از این روبناها می‌باشند. وظیفهٔ مجتهد اقتصاد اسلامی این است که روبناها را در کنار هم قرار داده و از طریق آنها به زیربناها و فلسفهٔ احکام دست یابد و از این طریق، مکتب اقتصاد اسلامی کشف شود. از آنجا که چنین کاری مستلزم اجتهاد است، لازم است که مجتهد با روشهای اجتهادی آشنا باشد و از خطرات پیش روی خود غافل نباشد.(همان: ۳۸۲)

اجزا

بعد از تعیین هدف و مبنای سیستم در بخشهای قبل، نوبت به تعیین اجزای آن می‌رسد. بحث اصلی در این بخش، مربوط به خرده‌نظامهایی است که اجزای اصلی نظام کلی را شکل می‌دهند. تحلیل آرای شهید صدر دلالت بر آن دارد که خرده‌نظامهای مدّ نظر عبارتند از: توزیع منابع قبل از تولید، توزیع بعد از تولید، تولید و نقش اجتماعی مردم و دولت در تأمین اجتماعی. به تعبیر دیگر؛ تحقق عدالت اقتصادی در جامعه، مستلزم در اختیار داشتن یک نظام توزیعی عادلانه قبل از تولید، یک نظام عادلانه بعد از تولید، یک نظام پویا در بخش تولید، یک رویکرد فعال دولتی و مردمی در تأمین اجتماعی است. در ادامه به واکاوی هر یک از خرده‌نظامهای مدّ نظر خواهیم پرداخت.

خرده‌نظام توزیع قبل از تولید: از نظر شهید صدر یکی از عوامل ظلم و بی‌عدالتی در جامعه، دسترسی معدودی از افراد به ثروتها و منابع جامعه و محروم ماندن بسیاری از افراد در بهره‌گیری از این منابع است. در بسیاری از نظریه‌های عدالت، به موضوع توزیع منابع جامعه قبل از آنکه به مرحلهٔ تولید برسد، توجهی نشده است؛ در حالی که توزیع مواد اولیه بر توزیع کالا مقدّم است. در اقتصاد سرمایه‌داری فقط بحث از توزیع کالا و خدمات است و سخن از توزیع منابع اولیه نیست. اما در اسلام به مسئلهٔ توزیع قبل از تولید یا توزیع عوامل تولید توجه زیادی شده و سلسله‌قوانینی را برای آن وضع کرده است.(همان: ۴۰۹)

قوانین اسلام در خصوص توزیع منابع قبل از تولید، ذیل عنوانهای مالکیت(اباحه) عمومی، مالکیت دولتی و مالکیت خصوصی مطرح شده است. مباحات عامه یا مالکیت عمومی، مربوط به بخشی از ثروتهاست که همهٔ افراد جامعه حق برخورداری و استفاده از آن را دارند.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

مالکیت دولتی، مربوط به بخشی از ثروتهای طبیعی است که به منظور جلوگیری از سوء استفاده و تسلط افراد معدود، ابتدا در اختیار دولت قرار دارد و دولت با نگاه عادلانه، بهره‌گیری آن را بر اساس سازوکاری که در اسلام تعریف شده است و در ادامه بدان خواهیم پرداخت، در اختیار مردم قرار می‌دهد. بخش سوم نیز مربوط به مالکیت خصوصی است که به منظور حفظ انگیزهٔ افراد در جامعه، امکان تسلط فردی بر اموال نیز فراهم می‌آید. مهم‌ترین بخش این نظریه، این است که مناسبات توزیع ثروتهای عمومی و دولتی در میان مردم و ایجاد حق خصوصی برای افراد از چه سازوکاری پیروی می‌کند تا عادلانه بودن آن تضمین شود.(همان: ۴۶۶)

خرده‌نظام توزیع پس از تولید: دومین خرده‌نظام از نگاه سیستمی به مسئلهٔ عدالت اقتصادی، نظام توزیع پس از تولید است. اساساً بخش مهمی از تحقق عدالت در جامعه، منوط به توزیع ثروت بعد از تولید است. واضح است که فرایند تولید با همکاری عوامل مختلف انجام می‌شود که هر کدام باید سهم خود را ببرند؛ کارگر، صاحب سرمایه و صاحب زمین و ثروت. حسب نظریهٔ رایج در میان اقتصاددانان سرمایه‌داری، بعد از تولید یک ثروت، کارگر بخشی از آن را به عنوان دستمزد خود تصاحب می‌کند؛ صاحبان سرمایه و ابزار تولید، بخشی از آن را به عنوان بهره برداشت می‌کنند و مال‌الاجاره نیز به صاحبان زمین یا منابع طبیعی استفاده‌شده پرداخت می‌شود. این فرایند در نظام سرمایه‌داری توسط صاحب سرمایه انجام می‌شود و معمولاً بیشترین سهم به صاحبان سرمایه تعلق پیدا می‌کند.

شهید صدر در مواجهه با نظریهٔ سرمایه‌داری، برداشت خود از موضع اسلام را این‌گونه بیان می‌کند که اسلام مانند سرمایه‌داری، عوامل تولید را در یک سطح قرار نمی‌دهد و توزیع بر اساس قانون عرضه و تقاضا را قبول نمی‌کند. لذا اگر انسان با وسیله‌ای تولید کند، تولید مال خود او خواهد بود و باید بابت استفاده از ابزار؛ به صاحب آن اجرت‌المثل پرداخت شود. صاحب سرمایه و ابزار نباید ادعایی دربارهٔ محصول داشته باشد، بلکه باید اجرت کار خود را دریافت کند.(همان: ۵۵۸)

خرده‌نظام تولید: سومین خرده‌نظام از اجزای نظام عدالت از منظر شهید صدر، خرده‌نظام تولیدی است. در حالی که شهید صدر با استناد به آیهٔ ۶۱ سورهٔ توبه، کفر و ظلم را عامل عقب‌ماندگی و فقر جامعه دانسته و تولید صحیح را در کنار عدالت به عنوان یک اصل اساسی برای حل مشاکل جامعهٔ اسلامی دانسته است؛ مسئلهٔ تولید را در ارتباطی تنگاتنگ با عدالت، مطرح و جنبه‌های مختلفی از آن را بررسی می‌کند. اگر افزایش تولید به

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

رفاه عمومی کمک نکند و همراه با توزیع عادلانه نباشد، چنین افزایش تولیدی از نظر اسلام مطرود است؛ زیرا تولید در اسلام هدف نیست. از این رو، در مسئلهٔ تولید نیز ضوابطی در اسلام مطرح شده که عبارتند از:

۱- سازمان تولید را موظف به تولید کالاهای اساسی و حیاتی جامعه کرده است؛

۲- اسراف در هر امری از جمله تولید به شدت نهی شده است؛

۳- امام به چند دلیل اجازهٔ دخالت در امر تولید را دارد:

- به منظور تضمین و تعیین حداقل و حداکثر تولید کالاهای ضروری،
- تصمیمات قانونی بنا به مقتضیات در حدود قلمرو آزادی نظر قانونی دربارهٔ مسائل اقتصادی.(همان: ۶۱۱)

در خصوص توزیع ثروتهای خام طبیعی نیز دولت حق مداخله و نظارت دارد. بر این اساس، دولت می‌تواند رشته‌های مختلف تولید را تحت نظر بگیرد.(همان: ۶۵۵)

خرده‌نظام تأمین اجتماعی: چهارمین خرده‌نظام در تحقق عدالت اقتصادی، تأمین اجتماعی است. اسلام دولت را مکلّف به تأمین کامل وسایل زندگی عموم افراد کرده است. البته چنین موضوعی دارای سطوح مختلفی است که لازم است در اینجا آنها را بررسی کنیم.

در مرحلهٔ اول، دولت مکلّف است امکان حضور مفید و مؤثر مردم را در فعالیتهای اقتصادی فراهم آورد؛ به گونه‌ای که افراد بتوانند با کار کردن، درآمد لازم را برای خود به دست آورند و مشکلات اقتصادی خود را حل کنند. اصل اول و اساسی تأمین نیازها همین است؛ اینکه افراد بتوانند با کار کردن، نیازهای اساسی خود را تأمین کنند. حال ممکن است بنا به علل مختلف، افرادی باشند که نتوانند کار کنند یا با وجود کار کردن و تلاشی که دارند، نتوانند نیازهای اولیه خود را تأمین کنند. اینجا مرحلهٔ دوم حضور دولت است. در چنین شرایطی، دولت مکلّف است با منابعی که در اختیار دارد، نیازهای اولیه این‌گونه افراد را تأمین کند. تأمین اجتماعی به صورتی که اشاره شد، بر دو اصل اساسی استوار است. اصل اول، مربوط به کفالت همگانی و مسئولیت متقابل افراد نسبت به همدیگر است. به موجب این اصل، مسلمانان کفالت همدیگر را به عهده دارند و اسلام انجام چنین چیزی را واجب و لازم‌الاجرا می‌داند و دولت وظیفه دارد مردم را به انجام چنین کاری مجبور سازد. اصل دوم، مربوط به سهیم بودن جامعه در درآمدهای مالیاتی است. علاوه بر اصل کفالت، دولت موظف شده است سطح متوسطی از زندگی را برای افرادی که به آن سطح از زندگی نرسیده‌اند، فراهم آورد. اسلام تنها به مالیاتهای ثابت اکتفا نکرده است، بلکه دولت وظیفه دارد با شرکت

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

مستقیم در فعالیتهای عمومی، امکانات لازم خود را فراهم آورد. همچنین دولت می‌تواند به واسطهٔ قانون‌گذاری در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی، در اهداف خود موفق‌تر باشد.(همان: ۶۵۹)

روابط

هر یک از اجزای یک نظام دارای خصلت یا خصوصیت خاصی است و آنگاه که در کنار هم قرار می‌گیرند، خصلت مشترک یا خصلت ترکیبی آنها ظاهر می‌شود. خصلت حاصله در هیچ‌کدام از عناصر و اجزا ملاحظه نمی‌شود؛ یعنی اگر یک جزء در یک سیستم را ملاحظه کنیم، خصلت آن جزء، غیر از خصلت آن سیستم است. از طرفی اگر یکی از اجزای مزبور را از سیستم حذف کنیم، مسلماً خصلت ترکیبی نظامی که قبلاً وجود داشت، ظاهر نخواهد شد(درخشان، ۱۳۸۷: ۳۶). بر این وجه، نظام مالیاتی در نظام سرمایه‌داری و نظام اقتصاد اسلامی خصلتی متفاوت دارد و از این رو، خصلت جدیدی را از خود ظاهر می‌کند. آنچه از آثار شهید صدر برمی‌آید، این است که روابط در میان اجزا در اقتصاد اسلامی، بر اساس همکاری عمومی و توازن اجتماعی تعیین می‌شود. به تعبیر دیگر؛ خصلت تمامی اجزای این نظام در جهت تکافل و تضامن اجتماعی است و از این رو، خصلتی جدید به سیستم می‌دهد. بر اساس این دو اصل، نظام مالیاتی اسلام مانند خمس و زکات را می‌توان دارای خصلتی مبتنی بر همکاری و توازن در نظر گرفت که در راستای تحقق عدالت اجتماعی در جامعه تفسیر می‌شود.(صدر، ۱۳۸۵)

دو) نظریهٔ سیستمی عدالت شهید مطهری

مانند آنچه در خصوص آرای شهید صدر مطرح شد، در خصوص شهید مطهری نیز پرداختن به هدف، مبنا، اجزا و روابط می‌تواند چارچوب کلی این نظریه را تبیین کند.

هدف

عدالت در نظر شهید مطهری، به عنوان یکی از اهداف نظام اقتصادی اسلام، جایگاه والا و پر اهمیتی دارد. وی دعوت انبیا را شامل همهٔ شئون حیات بشری دانسته و دو هدف «شناخت خدا و نزدیک شدن به او» و «برقراری عدل و قسط در جامعهٔ بشری» را اصلی‌ترین اهداف پیامبر(ص) از دیدگاه قرآن می‌داند.(مطهری، ۱۳۷۳: ۱۷۶-۱۷۵)

از نظر شهید مطهری، «عدل در اجتماع به منزلهٔ پایه‌های ساختمان است»(مطهری، ۱۳۹۰، ج ۲۳: ۲۲۷-۲۲۶). به این معنا که اگر در جامعه‌ای عدالت وجود نداشته باشد، جامعه متزلزل خواهد بود و هیچ‌گاه به سرمنزل مقصود نمی‌رسد. وی با استناد به حدیث «اَلْمُلْکُ یَبْقی مَعَ الْکفْرِ وَ

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

لایَبْقی مَعَ الظُّلْمِ»(شیخ مفید، ۱۳۸۹: ۳۱۰) می‌فرماید: اگر یک جامعه عادل و متعادل باشد، قابل بقاست، هرچند مردمش کافر باشند. اما اگر ظلم و اجحاف در نتیجهٔ تفاوتها و پستی و بلندی‌ها و ناهمواری‌ها در جامعه‌ای پیدا شد، آن جامعه باقی نمی‌ماند، هرچند مردمش به حسب عقیده مسلمان باشند(مطهری، ۱۳۹۰، ج ۲۳: ۷۳۳). قرآن پر است از آیاتی که می‌فرماید سبب هلاک فلان قوم و فلان قوم، ظلم آنها بوده است(همان). از نظر وی، عدالت لازمهٔ گسترش اخلاق متعالی در جامعه و از بین رفتن رذایل اخلاقی است(همان: ۷۳۵-۷۳۴). از طرفی، عدالت لازمهٔ حفظ تعادل اجتماع و ایجاد رضایت عمومی است(مطهری، ۱۳۸۳: ۴۳۷) و از طرف دیگر، عدالت لازمهٔ تعادل روحی و روانی انسان دانسته شده است(مطهری، ۱۳۷۸، ج ۶: ۲۶۷-۲۶۵). همهٔ اینها نشان از آن دارد که مقولهٔ عدالت در نظر شهید مطهری، ارزش قابل اعتنایی دارد. طبیعی است دستیابی به عدالت در عمل، نیازمند حرکت بزرگ و همه‌جانبه‌ای است که آن را می‌توان در قالب یک نگاه سیستمی ترسیم کرد.

مبنا

بدون تردید مبنای شهید مطهری در مسئلهٔ عدالت اقتصادی، تکیه بر قرآن و سیرهٔ ائمهٔ هدی علیهم‌السلام است. به تعبیری، ایشان نیز به مانند شهید صدر، مسئلهٔ عدالت را در پرتو قرآن و حدیث دنبال می‌کند و به دنبال آن است که قواعد کلی تحقق عدالت را در چارچوب وحی و دین اسلام تبیین کند. از همین رو، هم در تعیین هدف، هم در تعیین اجزا و هم در تعیین روابط، مبنا را در اسلام قرار می‌دهد. استناد اصلی این ادعا، بررسی خرده‌نظامها یا عناصری است که در بخش بعدی بدان اشاره شده است. تمامی خرده‌نظامها و عناصری که شهید مطهری برای تحقق عدالت لازم دانسته است، مبنای وحیانی و دینی دارند. شیوهٔ توزیع انفال، مالیاتهای اسلامی، مکاسب محرّمه، قوانین توزیع ارث، مجازاتهای اسلامی، امر به معروف و نهی از منکر و سایر موارد، همگی از جمله مفاهیمی‌اند که شهید صدر برای تحقق عدالت به آنها اشاره داشته و مبنای جملگی آنها وحیانی و دینی بوده است.

اجزا (خرده‌نظامها و عناصر)

بررسی آرای شهید مطهری در آثار متعدد ایشان یک دلالت ضمنی به همراه دارد و آن این است که تحقق عدالت اقتصادی مستلزم آن است که مجموعه‌ای از قواعد، قوانین و سازوکارهای نظام‌مند در کنار یکدیگر حضور داشته باشند تا برایند آنها در کنار هم به تحقق مسئلهٔ عدالت منجر شود. تنها در این صورت است که امکان تحقق عدالت به وجود می‌آید. برای درک بهتر این رویکرد در اسلام، کافی است اقدامات عملی اسلام را برای تحقق

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

عدالت، بررسی و از این طریق، سیستمی بودن تحقق عدالت را بهتر درک کنیم. نگارنده بر آن بود با بررسی تمامی آثار شهید مطهری، از هر آنچه به قوام این نگاه سیستمی کمک می‌کند، استفاده کند تا هم در اجزا، هم در مبنا و هم در اهداف، مقوله‌ای از این سیستم دور نماند.

از تحلیل محتوای آثار شهید مطهری می‌توان چنین برداشت کرد که برای تحقق عدالت، صرفاً اکتفا به مورد خاصی مثل قانون عادلانه و اجرای آن کفایت نمی‌کند؛ بلکه لازم است پنج عامل اصلی در کنار هم قرار گیرند تا شاهد تحقق عدالت باشیم؛[1] این پنج عامل عبارتند از: «قوانین حقوقی عادلانه و ضمانت اجرایی آنها»، «مجازات قضایی برای متخلفان»، «گسترش معنویت در جامعه و ایجاد نظارت درونی در افراد»، «توجه به امر به معروف و نهی از منکر» و «حُسن اجرای کارگزاران حکومتی». با کنار هم قرار گرفتن این پنج عامل و انجام وظیفهٔ درست هر یک، می‌توان انتظار داشت که برایند آنها منجر به تحقق عدالت شود.

- قوانین حقوقی عادلانه و ضمانت اجرایی آنها

از نظر شهید مطهری، «برقراری عدالت در میان مردم به این است که قانون عادلانه‌ای در میان مردم باشد و آن قانون حسن اجرا داشته باشد»(مطهری، ۱۳۷۸، ج ۶: ۲۶۰-۲۵۹). به عبارتی؛ اگر قانون عادلانه‌ای وجود نداشته باشد، امکان اجرای عدالت وجود نخواهد داشت. شهید مطهری در توجیه این و اینکه چرا حتماً باید قانون زندگی بشر عادلانه باشد(همان: ۲۶۷)، در بخشهای مختلفی از آثار خود به بررسی این قوانین پرداخته است که در ادامه به بخشی از آنها اشاره خواهد شد.

ممنوعیت ربا: از نظر شهید مطهری، علت اصلی تحریم ربا، در ظلم و رعایت نشدن عدالت است. ایشان به استناد آیات و روایات می‌فرمایند: «اساساً قرآن، سود گرفتن از قرض(ربا) را ظلم می‌داند؛ و می‌دانیم که ظلم یعنی گرفتن چیزی بدون حق و بدون یک مجوّز. قرآن، ربا گرفتن را تجاوز به حق قرض‌گیرنده تلقی می‌کند و به قول ما، اصلاً نامشروع می‌داند»(مطهری، ۱۳۹۰، ج ۲۰: ۲۸۰-۲۷۵). لذا از نظر ایشان، وجود ربا از عواملی است که جامعه را به سمت بی‌عدالتی پیش می‌برد و اسلام در جهت وضع قوانین عادلانه، آن را حرام دانسته است.(مطهری، ۱۳۷۸، ج ۴: ۳۶۴-۳۶۱)

---

۱. شهید مطهری در بخشهای متعددی از صحبتهای خویش به بررسی این عوامل پرداخته‌اند، اما هیچ‌گاه آنها را در کنار هم مطرح نکرده‌اند.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

قانون ارث: قانونگذاری در حوزهٔ ارث، با عدالت ربط زیادی دارد و قوانین اسلام در این حوزه به عنوان جزیی از یک سیستم کلی می‌تواند به تحقق سیستمی عدالت کمک کند. از نظر شهید مطهری، اینکه یک شخص می‌تواند تمام دارایی خود را به شخص دلخواه خود، حتی به سگ خود یا گربه عزیز خود به عنوان ارث منتقل کند، در اسلام این‌چنین آزادی‌ای وجود ندارد و ثروت، خواه ناخواه، به نسبتهای معیّن میان فرزندان و پدر و مادر و همسر تقسیم و تجزیه می‌شود(مطهری، ۱۳۹۰، ج ۲۰: ۵۱۷-۵۱۸) و همین شیوهٔ توزیع، سبب ایجاد عدالت در جامعه می‌شود.

انفال: آنچه در سر کوه‌ها و شکم وادی‌ها و جنگلها پیدا می‌شود و غنایم جنگی و غیره، جزء انفال و اختیارش با خدا و پیغمبر است؛ یعنی ملک شخصی کسی نیست. همچنین ائمه گفته‌اند اختصاص به اینها ندارد؛ اگر شما گنجی هم استخراج کنید، در واقع ملک شخصی کسی نیست. معادن هم در اصل ملک شخصی کسی نیست. حتی کسی که کار و کسب می‌کند، آن مقداری که کار کرده است و خرج و مصرف کرده، ملک شخصی‌اش بوده و هر مقدار که درآمد زائد دارد، مثل این است که ملک شخصی‌اش نیست، ولی خدا و پیغمبر به فرد اجازه داده‌اند که در همهٔ این موارد- با اینکه در اصل ملک شخصی وی نیست- از چهار خمسش استفاده کند و یک خمس آن را به صاحب اصلی که خدا و پیغمبر است بدهد؛ یعنی به مصرف اجتماع برسد(مطهری، ۱۳۹۰، ج ۲۶: ۲۵۹). یکی از دلایل اصلی چنین رویکردی در اسلام، جلوگیری از چپاولگری منابع و ثروتهای طبیعی توسط زورمندان و سرمایه‌داران است. از این طریق، امکان توزیع عادلانهٔ منابع فراهم می‌آید.

مالیاتهای اسلامی(خمس و زکات): خمس و زکات، از مهم‌ترین ابزارهای دولت اسلامی برای ایجاد توازن و از بین بردن فاصلهٔ طبقاتی‌اند. این دو به گونه‌ای وضع شده‌اند که خود به خود فواصل طبقاتی را کم می‌کنند. اصل دیگری در اسلام است که به حکومت شرعی و قانونی حق می‌دهد مالیاتهایی طبق مصالح اجتماع عنداللزوم به خاطر مصالح اجتماع، مثل اینکه حاجت خاص اجتماعی پدید آمده یا به خاطر حفظ تعادل اجتماع وضع کند. مالیات اسلامی منحصر به زکات و خمس نیست؛ زکات و خمس مالیاتهایی‌اند که برای همیشه در حدود نصاب و درآمد معیّن وضع شده و برای همیشه ثابت‌اند. یک سلسله مالیاتهای موقت نیز هست که در اختیار حکّام است(مطهری، ۱۳۷۷: ۵۲۴-۵۱۹). واضح است که مجموعهٔ این مالیاتها در کنار سایر منابع درآمدی دولت اسلامی، می‌توانند تأثیر زیادی در برقراری عدالت داشته باشند.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

جلوگیری از کسب و کارهای حرام: برخی از فعالیتهای اقتصادی، سلامت کل اقتصاد را به خطر می‌اندازند. گاهی این فعالیتها ماهیتی ناعادلانه دارند و منجر به ستم به دیگری می‌شوند. اسلام مجموعه‌ای از این فعالیتها را شناسایی کرده و آنها را حرام دانسته است. به مجموع این فعالیتها، مکاسب محرّمه(یا کسب و کارهای حرام) گفته می‌شود. صورتهای دیگری از این کسب و کارها نیز وجود دارد که به عنوان قوانین لازمهٔ عدالت محسوب می‌شوند و شهید مطهری به برخی از آنها اشاره کرده‌اند.(همان: ۵۵۵-۵۵۳)

جلوگیری از مبادلات ناعادلانه: از نظر شهید مطهری، باید جلوی مبادلاتی که منجر به ظلم و بی‌عدالتی می‌شود، گرفته شود. ایشان برای تبیین این موضوع، به مسئلهٔ بیع مکره و مضطر اشاره می‌کند: «به حکم اینکه اسلام حقوق را محترم می‌شمارد و عدالت را لازم می‌داند و هرگونه ظلم و اجحاف و استثماری را حرام می‌شمارد، باید گفت این‌گونه سوء استفاده‌ها از بیچارگی مردم، حرام است».(همان: ۵۶۰-۵۵۹)

سایر قوانین: مواردی که تاکنون اشاره شد، تنها بخشی از قوانین اسلام در اجرای عدالت‌اند که شهید مطهری به طور مشخص به آنها اشاره کرده‌اند. نظام حقوق اسلام، نظام بسیار کاملی است و همهٔ ابعاد زندگانی انسان را پوشش می‌دهد. از نظر ایشان، مبنای همهٔ این قوانین عدالت است. در واقع؛ این عدالت است که در سلسله علل احکام است. دین آنچه را که عدل است می‌گوید و همهٔ قوانین آن ناظر به مسئلهٔ عدالت است(مطهری، ۱۳۷۸، ج ۶: ۲۰۳). تنها با وجود این قوانین و حُسن اجرای آن می‌توان انتظار جامعه‌ای عادلانه داشت. حتی بعثت پیامبران نیز چنین هدفی را دنبال کرده است.

- مجازات و قوانین قضایی برای متخلفان

هر قانونی نیاز به ضمانتی برای اجرا دارد تا قانونگذار مطمئن شود قوانین مدّ نظرش حتماً اجرا خواهد شد. یکی از مهم‌ترین ابعاد ضمانت اجرایی قانون، توجه به مجازات و به عبارتی، قوانین قضایی است. همیشه کسانی هستند که نمی‌خواهند بر اساس قانون عمل کنند. در اینجاست که قانونگذار اقدام به وضع مقرراتی برای متخلفان می‌کند تا در قبال تخلفات و قانون‌گریزی‌ها، بازدارندگی ایجاد کند. قوانین جزایی در اسلام، بخشی از قوانین را تشکیل می‌دهند و به تناسب سایر قوانین و در یک قالب سیستمی، به کل نظام کمک می‌کنند.

از یک سو این قوانین، ضمانت اجرای قوانین دیگر و به طور کلی ضمانتی برای ایجاد عدالت در جامعه‌اند و از سوی دیگر، خود این قوانین نیز بر مبنای عدالت وضع شده و عادلانه‌اند. «عدالت یعنی وجوب انجام کار برای همه یکسان و ایجاد شرایط مساعد زندگی

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

برای همه یکسان و رفع موانع برای همه یکسان باشد و هم مجازات و دادگستری برای همه یکسان باشد. به عبارت دیگر؛ تکالیف و حقوق و مجازاتها برای همه در قانون و در عمل یکسان باشد».(همان: ۲۵۳)

- گسترش معنویت در جامعه و ایجاد نظارت درونی در افراد

آیا صرف قانونگذاری و ایجاد ضمانتهای اجرایی مانند قوانین جزایی، برای ایجاد عدالت کافی است؟ اگر پاسخ ما به این سؤال منفی باشد، باید پرسید که چه عاملی می‌تواند ضمانت اجرایی این قوانین باشد؟ اما اگر پاسخ مثبت باشد، باید پرسید که چرا غرب با این همه پیشرفت در قانونگذاری، نتوانسته عدالت و آزادی را آن‌چنان که باید، عملی کند؟ قانون که به خودی خود جز یک صفحه کاغذ سیاه‌شده چیزی نیست. این انسانها هستند که باید وجود عینی قانون باشند. پس عمده، عمل به قانون است که مستلزم گذشتن از منافع است. این عمل بدون ایمان به اینکه عدالت احترام الهی دارد و ظلم مؤاخذهٔ الهی دارد، میسّر نیست. برای اجرای عدالت دو چیز لازم است: یکی بیداری شعور عامهٔ مردم به اینکه حقوق خود را حفظ کنند یا ایمان به اینکه از حد تجاوز نکنند(ولاتعتدوا) و دیگر ایمان اقویا». اجتماع از لحاظ عدالت، تنها به وسیلهٔ ایمان به عدالت میسّر است.(همان: ۲۷۱-۲۶۸)

- توجه به امر به معروف و نهی از منکر

اسلام برای برقراری عدالت اجتماعی علاوه بر ایمان، از دو اصل دیگر هم استفاده کرده است: یکی، امر به معروف و نهی از منکر و دیگری، مجازاتها و قوانین جزایی. البته اینها علاوه بر تشویقی است که اسلام به استیفای حقوق و قیام علیه ظالمین و اتحاد در برابر آنها کرده است(همان: ۲۶۰-۲۵۹). از نظر شهید مطهری، «امر به معروف و نهی از منکر یگانه اصلی است که ضامن بقای اسلام است. به اصطلاح، علت مبقیه است. اصلاً اگر این اصل نباشد، اسلامی نیست»(مطهری، ۱۳۹۰، ج ۱۷: ۲۳۵). ایشان با اشاره به آیات قرآن کریم و سرنوشت اقوامی که امر به معروف و نهی از منکر نمی‌کردند، می‌فرماید: «فقط خود قرآن را در نظر بگیریم، متوجه می‌شویم که این موضوع در این کتاب مقدس آسمانی چقدر تکرار شده است و چه اندازه بدبختی ملل گذشته را مستند می‌کند به اینکه امر به معروف و نهی از منکر نداشته‌اند».

- حُسن اجرای کارگزاران حکومتی

مسئلهٔ دیگری که در نگاه سیستمی به عدالت وجود دارد و شهید مطهری نیز در بخشی از آثار خویش بدان پرداخته‌اند، حُسن اجرای کارگزاران حکومتی است: «برقراری عدالت در میان مردم به این است که قانون عادلانه‌ای در میان مردم باشد و آن قانون، حُسن اجرا داشته

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

باشد. نیاز به انبیا، هم از ناحیهٔ وضع قانون است و هم از ناحیهٔ حُسن اجرای آن».(مطهری، ۱۳۷۸، ج ۶: ۲۶۳-۲۶۱)

روابط

جستجوی نگارنده در آثار شهید مطهری برای شناختن روابطی که منجر به خصلت جدیدی در اجزا شود، ناکام مانده است و شاید اساساً علت آن این است که تکیه بر وحی، خود منجر به نتایج مطلوب و دلخواهی می‌شود که نیازی به بررسی خصلتهای جدید نباشد و این موضوع اساساً نیازی به بحث توسط ایشان نداشته است؛ زیرا در کنار هم قرار گرفتن پنج مؤلفه‌ای که شهید مطهری بدان اشاره داشته، صرفاً امر الهی تلقی شده که می‌بایست بدان پایبند بود تا عدالت محقق شود و اینکه چه محوری آنها را قابل جمع کرده، برای نگارنده محقق نشده است.

۳. با توجه به تبیین نظریهٔ عدالت سیستمی از نظر شهید مطهری و شهید صدر، نقاط اشتراک و افتراق این دو نظریه کدام است؟

یک) وجه تشابه

بر اساس آنچه مطرح شد، هم شهید صدر و هم شهید مطهری اعتقاد دارند که عدالت یکی از ارکان اصلی جامعه است و بی‌توجهی به آن، منجر به تزلزل و حتی فروپاشی جامعه می‌شود. هر دوی ایشان عدالت را از اهداف والای نظام اسلامی دانسته و معتقدند نه تنها عدالت رکنی برای بقای حکومت است، بلکه زمینه‌ساز گسترش اخلاق متعالی در جامعه، از بین برندهٔ رذایل اخلاقی، سبب حفظ تعادل اجتماع و ایجاد رضایت عمومی و نیز لازمهٔ تعادل روحی و روانی انسان است و از این نظر، وزن بسیار زیادی به مقولهٔ عدالت می‌دهند. هر دوی ایشان عدالت را امری لازم و بالذات مفید می‌دانند و اهمیت بسیار زیادی برایش قائل‌اند.

از بعد مبنای سیستم، هر دوی ایشان بر مبانی اسلامی در تحقق عدالت تکیه دارند و به دنبال آن‌اند که مسئلهٔ عدالت را در چارچوب قرآن و حدیث و ذیل مفاهیم اسلامی دنبال کنند. هم در تبیین هدف سیستم، هم در تعریف عدالت و هم در خرده‌نظامها و عناصری که می‌توانند منجر به تحقق عدالت شوند، نقش گزاره‌های دینی به عنوان مبنای نظریه‌پردازی شهید صدر و شهید مطهری کاملاً واضح است.

دو) وجه افتراق

در بعد اجزا که شاکلهٔ اصلی یک سیستم را می‌سازند، شهید صدر چارچوبی را برای تحقق عدالت اقتصادی ارائه می‌کند که در آن چهار جزء «توزیع قبل از تولید»، «توزیع پس از

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

تولید»، «مسئلهٔ تولید» و «تأمین اجتماعی» مشاهده می‌شود و در ادامه سعی می‌کند زیربناهای مدّ نظر خود را در هر یک از این اجزا کشف کند؛ اما از نظر شهید مطهری، باید مجموعه‌ای از قواعد، قوانین و سازوکارهای نظام‌مند در کنار هم حضور داشته باشند تا برایند آنها به تحقق مسئلهٔ عدالت منجر شود. تنها در این صورت است که امکان تحقق عدالت به وجود می‌آید. از مجموع آرای شهید مطهری می‌توان چنین برداشت کرد که برای تحقق عدالت، صرفاً اکتفا به مورد خاصی مثل قانون عادلانه و اجرای آن کفایت نمی‌کند، بلکه لازم است پنج عامل اصلی «قوانین حقوقی عادلانه و ضمانت اجرایی آنها»، «مجازات قضایی برای متخلفان»، «گسترش معنویت در جامعه و ایجاد نظارت درونی در افراد»، «توجه به امر به معروف و نهی از منکر» و «حُسن اجرای کارگزاران حکومتی»، در کنار هم قرار گیرند و هر یک به درستی وظیفهٔ خویش را انجام دهند، تا شاهد تحقق عدالت باشیم.

در بُعد روابط نیز شهید صدر معتقد به وجود یک تکافل و تضامن اجتماعی در سراسر اقتصاد اسلامی است که جامعه را به سر منزل مقصود می‌رساند؛ اما در خصوص شهید مطهری، یافتن این مسئله برای نگارنده محقق نشد و می‌تواند در تحقیقات آتی، موضوع بررسی قرار گیرد.

د) جمع‌بندی و نتایج

مسئلهٔ اصلی مقالهٔ حاضر، تبیین نظریهٔ عدالت اقتصادی از منظر نظریهٔ سیستم‌ها بر اساس دیدگاه شهید سید محمدباقر صدر و آیت‌الله مطهری و تبیین نقاط اشتراک و افتراق آن دو در یک رویکرد مقایسه‌ای است. عدالت سیستمی یعنی تنها برایند عملکردیِ مجموعه‌ای از خرده‌نظامها یا عناصر در کنار یکدیگر می‌تواند به تحقق عدالت منجر شود. تبیین ماهیت یک سیستم نیازمند شناخت چهار رکن اصلی اجزا، اهداف، مبانی و روابط است. از آنجا که هدف در نظریهٔ سیستمی مورد مطالعهٔ این پژوهش عدالت اقتصادی است؛ می‌بایست اجزا، روابط و مبنایی که سیستم مدّ نظر را کامل می‌کنند، شناسایی شوند. روش استفاده‌شده در این پژوهش، تحلیل محتوا یا تحلیل مضمون است که شامل تحلیل محتوای آثار شهید مطهری و شهید صدر در حوزهٔ عدالت می‌شود. بر این اساس، مقالهٔ حاضر به سه سؤال اصلی پاسخ داده است: ۱) آیا شهید صدر و شهید مطهری دارای یک نظریهٔ عدالت مبتنی بر نظریهٔ سیستم‌ها می‌باشند؟ ۲) با توجه به اثبات وجود نگاه سیستمی شهید صدر و شهید مطهری به مسئلهٔ عدالت و امکان تبیین نظریهٔ ایشان از منظر نظریهٔ سیستمی، آن نظریه چگونه تبیین

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

می‌شود؟ ۳) با توجه به تبیین نظریهٔ عدالت سیستمی از نظر شهید مطهری و شهید صدر، نقاط اشتراک و افتراق این دو نظریه کدام است؟

یافته‌های پژوهش دلالت بر آن دارد که نگاه سیستمی به مسئلهٔ عدالت اقتصادی در آرای شهید صدر و شهید مطهری به صورت ضمنی بیان شده، اما در قالب نظریه تبیین نشده است. شهید صدر و شهید مطهری معتقدند تنها در پرتو نگاه سیستمی می‌توان به شناخت درست از اسلام دست یافت و جنبه‌های مختلف عدالت را از این منظر تفسیر کرد.

تحلیل مقایسه‌ای دیدگاه شهید صدر و شهید مطهری، دلالت بر وجه شباهت مهمی دارد و آن در هدف و مبنای سیستم است. همچنین دلالت بر وجه افتراق آن دو در اجزا و روابطی است که در سیستم نمایان می‌شود. از بُعد هدف، هر دوی ایشان اعتقاد دارند که عدالت یکی از ارکان اصلی جامعه است و بی‌توجهی به آن منجر به تزلزل و حتی فروپاشی جامعه می‌شود و اینکه عدالت را از اهداف والای نظام اسلامی دانسته، معتقدند نه تنها عدالت رکنی برای بقای حکومت است، بلکه زمینه‌ساز گسترش اخلاق متعالی در جامعه، از بین‌برندهٔ رذایل اخلاقی، سبب حفظ تعادل اجتماع و ایجاد رضایت عمومی و نیز لازمهٔ تعادل روحی و روانی انسان است و از این نظر، وزن بسیار زیادی به مقولهٔ عدالت می‌دهند. هر دوی ایشان عدالت را امری لازم و بالذات مفید می‌دانند و اهمیت بسیار زیادی برایش قائل‌اند.

وجه شباهت دیگر، از بُعد مبنای سیستم است که هر دوی ایشان بر قرآن و حدیث تکیه کرده و به دنبال آن هستند که مسئلهٔ عدالت را در چارچوب قرآن و حدیث و ذیل مفاهیم اسلامی دنبال کنند. از مشترکات شهید صدر و شهید مطهری آن است که مبنای هر دوی ایشان در نظریهٔ سیستم‌ها و نگاه جامع، تکیه بر وحی است.

مهم‌ترین وجه افتراق دیدگاه شهید مطهری و شهید صدر، در بُعد اجزای سیستم است که شاکلهٔ اصلی آن را می‌سازند. شهید صدر چارچوبی را برای تحقق عدالت ارائه می‌کند که در آن چهار جزء «توزیع قبل از تولید»، «توزیع پس از تولید»، «مسئلهٔ تولید» و «تأمین اجتماعی»، دیده می‌شود و در ادامه سعی می‌کند زیربناهای مدّ نظر خود را در هر یک از این اجزا کشف کند. اما از نظر شهید مطهری، مجموعه‌ای از قواعد، قوانین و سازوکارهای نظام‌مند باید در کنار هم حضور داشته باشند تا برایند آنها به تحقق مسئلهٔ عدالت منجر شود. از نظر وی، لازم است پنج عامل اصلی ذیل در کنار هم قرار گیرند تا شاهد تحقق عدالت باشیم: «قوانین حقوقی عادلانه و ضمانت اجرایی آنها»، «مجازات قضایی برای متخلفان»، «گسترش معنویت در جامعه و ایجاد نظارت درونی در افراد»، «توجه به امر به معروف و نهی

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

از منکر» و «حُسن اجرای کارگزاران حکومتی». اگر این پنج عامل در کنار هم قرار بگیرند و هر یک به درستی وظیفهٔ خویش را انجام دهند، می‌توان انتظار داشت که برایند آنها منجر به تحقق عدالت شود.

وجه دیگر افتراق، در روابط سیستم است. شهید صدر معتقد به وجود یک تکافل و تضامن اجتماعی در سراسر اقتصاد اسلامی است که جامعه را به سر منزل مقصود می‌رساند؛ اما در خصوص شهید مطهری، این نگاه به صراحت یافت نشده و قابل بحث و بررسی در تحقیقات آتی خواهد بود.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

منابع

- **قرآن کریم**.
- **نهج‌البلاغه**.
- امیری، راضیه و حوران اکبرزاده(۱۳۹۲). «**بررسی تطبیقی آرای رالز و مطهری دربارهٔ عدالت**». *قبسات*، ش ۶۸: ۶۰-۲۹.
- جلیلی مرند، علیرضا؛ محمدعلی متفکرآزاد و فیروز فلاحی(۱۳۹۷). «**عدالت اجتماعی از دیدگاه هایک، رالز، شهید مطهری و شهید صدر با تأکید بر چیستی عدالت**». *جستارهای اقتصادی*، ش ۲۹: ۱۹۹-۱۷۳.
- جمشیدی، محمدحسین(۱۳۹۲). «**تبیین رابطهٔ عدالت با سیاست در اندیشهٔ علامه شهید سید محمدباقر صدر**». *نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان*، سال سوم، ش ۱: ۱۵۹-۱۳۱.
- حسینی، سید رضا(۱۳۸۷). «**معیارهای عدالت اقتصادی از منظر اسلام (بررسی انتقادی نظریهٔ شهید صدر)**». *اقتصاد اسلامی*، ش ۳۲: ۳۶-۵.
- خرمشاد، محمدباقر و مصطفی ساوه‌درودی(۱۳۹۱). «**عدالت در اندیشهٔ متفکرین اسلامی؛ مقایسهٔ تطبیقی آرای رهبر انقلاب اسلامی و شهید مطهری**». *امنیت‌پژوهی*، ش ۴۰: ۳۰-۷.
- درخشان، مسعود(۱۳۸۷). **نظامهای اقتصادی**. قم: مؤسسه فرهنگی فجر ولایت.
- رضایی، جعفر؛ علی علی‌حسینی، سید جواد امام‌جمعه‌زاده و علیرضا آقاحسینی(۱۳۹۷). «**آسیب‌شناسی الگوی عدالت در دولتهای جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر اندیشهٔ مطهری و امام خمینی**». *پژوهشهای انقلاب اسلامی*، ش ۲۷: ۹۵-۶۷.
- رمضانی، علی(۱۳۹۲). «**نظریهٔ استخدام و خاستگاه ارزشی عدالت از دیدگاه علامه طباطبایی(بر اساس تفسیر شهید مطهری، استاد مصباح یزدی و استاد جوادی آملی)**». *حکومت اسلامی*، ش ۶۹: ۱۹۰-۱۶۱.
- رودگر، محمدجواد(۱۳۸۸). «**عدالت جنسیتی از دیدگاه علامه طباطبایی و شهید مطهری**». *مطالعات راهبردی زنان*، ش ۴۶: ۸۰-۴۹.
- سرآبادانی تفرشی، حسین و عادل پیغامی(۱۳۹۶). «**تبیین مفهومی نظریهٔ عدالت اجتماعی در اندیشهٔ شهید صدر**». *نقد و نظر*، ش ۸۶.
- شمس مفرحه، سید کاظم؛ شهین ایروانی، محمدرضا شرفی جم و بهبود یاری‌قلی(۱۳۹۷). «**تحلیل مفهوم، مبانی، اهداف و اصول عدالت تربیتی از منظر شهید مطهری**». *پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، ش ۴۱: ۲۸-۵.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

- شهابی، مهدی(۱۳۹۴). «**تحلیل عدالت طبیعی متغیّر چون مبنای اعتبار هنجار حقوقی در حقوق اسلامی با تأکید بر آرای شهید مطهری و علامه طباطبایی**». *اندیشهٔ دینی*، ش ۵۵: ۴۹-۷۴.
- شیخ مفید، محمد بن محمد(۱۳۸۹). **امالی**. ترجمهٔ عبدالرحیم عقیقی بخشایشی. قم: دفتر نشر نوید اسلام.
- صدر، محمدباقر(۱۳۸۵). **اقتصادنا**. بیروت: دارالکتب اللبنانی و القاهره: دارالکتاب المصری.
- طغیانی، مهدی(۱۳۸۱). «**عدالت اجتماعی از دیدگاه متفکر شهید مرتضی مطهری**». *اندیشهٔ صادق*، ش ۷-۶.
- عباس‌تبار مقری، رحمت و شهربانو فولادی(۱۳۹۷). «**عدالت سیاسی در اندیشهٔ شهید مطهری و راولز در یک نگاه تطبیقی**». *پژوهشهای انقلاب اسلامی*، ش ۲۶: ۱۲۰-۱۰۳.
- مطهری، مرتضی(۱۳۸۳). **سیری در نهج‌البلاغه**. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی(۱۳۹۰). **مجموعه آثار**. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی(۱۳۷۷). **نظری به نظام اقتصادی اسلام**. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی(۱۳۷۸). **یادداشت‌ها**. تهران: صدرا.
- میرمعزی، سیدحسین و محمدتقی نظریان مفید(۱۳۹۸). «**کارایی روش شهید صدر در کشف نظریهٔ اسلامی عدالت اقتصادی**». *اقتصاد اسلامی*، ش ۷۵: ۲۹-۵.
- نمازی، حسین(۱۳۸۹). **نظامهای اقتصادی**. تهران: شرکت سهامی انتشار.

- **The Holy Quran**.
- **Nahj al-Balagha**.
- Abbas Tabar Moqri, Rahmat & Shahrabano Fouladi (2018). **"A Comparative Study Thoughts of Martyr Motahari' and Rawls' Perspective on Justice"**. *Journal of Islamic Revolution Research*, No. 26: 103-120.
- Amiri, Razia & Howran Akbarzadeh (2013). **"A Comparative study of Rawls and Motahari's opinions about Justic"**. *Qobsat Magazine*, No. 68: 29-60.
- Derakhshan, Masoud (2008). **Economic Systems**. Qom: Fajr Velayat Cultural Institute.
- Hosseini, Seyyed Reza (2008). **"Criteria of economic justice from the perspective of Islam (a critical review of the Martyr Sadr theory)"**. *Islamic Economy Journal*, 32: 5-36.
- Jalili Marand, Alireza; Mohammad Ali Motafkerazad & Firouz Falahi (2018). **"The Views of Hayek, Rawls, Motahhari and Sadr on Social Justice with an Emphasis on the Nature of Justice"**. *Economic essays*, No 29: 173-199.
- Jamshidi, Mohammad Hossein (2013). **"An Explanation of the Relationship between Justice and Political System from the Perspective of Allame Mohammad Bagher Sadr"**. *Journal of Social Theories of Muslim Thinkers*, third year, 1: 131-159.
- Khorramshad, Mohammad Bagher & Mustafa Saveh Darodi (2012). **"The relation between justice and liberty in shahid motahhari's viewpoint"**. *Journal of Security Research*, No. 40: 7-30.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

- Mirmoazi, Seyed Hossein & Mohammad Taghi Mofid Nazarian (2019). **"A Study on the Effectiveness of Shahid Sadr's Method in Discovering Islamic Theory of Economic Justice"**. *Islamic Economy Journal*, No. 75: 5-29.
- Motahhari, Morteza (2011). **Collection of Works**. Tehran: Sadra Publishing.
- Motahhari, Morteza (1999). **Notes**. Tehran: Sadra Publishing.
- Motahhari, Morteza (2004). **Siri in Nahj al-Balagha**. Tehran: Sadra Publishing.
- Namazi, Hossein (2010). **Economic Systems**. Tehran: Publishing Company.
- Ramezani, Ali (2013). **"The theory of "employment" and the value origin of "justice" from the point of view of Allameh Tabatabai (based on the interpretation of Shahid Motahari, Professor Misbah Yazdi and Professor Javadi Amoli)"**. *Islamic Government*, No. 69: 161-190.
- Rezaei, Jafar; Ali Ali Hosseini, Seyyed Javad Imam Jumazadeh & Alireza Agha Hosseini (2017). **"Pathology of the Model of Justice in the Islamic Republic Administrations with Emphasis on Motahari and Imam Khomeini's Thoughts"**. *Journal of Islamic Revolution Research*, 27: 67-95.
- Roudger, Mohammad Javad (2009). **"Gender Equality according to Allameh Tabatabaei and Martyr Muttahari"**. *Women's Strategic Studies Journal*, No. 46: 49-80.
- Sadr, Muhammad Baqir (2006). **Eghtesadona**. Beirut: Dar al-Katab al-Lebanani and Cairo: Dar al-Katab al-Masri.
- Shahabi, Mahdi; (2015). **"An Analytical Study of Changeable Natural Justice as an Instrument for Evaluating of Legal Norms in Islamic Law from the Viewpoints of Mortaza Mutahari and Allama Tabatabayi"**. *Andisheh Dini*, No. 55: 49-74.
- Shams Mofarrha, Seyyed Kazem; Shahin Irvani, Mohammad Reza Sharfi Jam & Behbood Yari Qali (2018). **"Analysis of the concept, foundations, goals and principles of educational justice from the perspective of Shahid Motahari"**. *Research on Islamic Education and Training*, No. 41: 5-28.
- Sheikh Mufid, Muhammad bin Muhammad (2010). **Amali**. Translated by Abdul Rahim Aqiqi Bakshaishi (Persian translation with Arabic text). Qom: Navid Islam Publishing House.
- Toghiani, Mehdi (2002). **"Social justice from the perspective of the thinker of Martyr Morteza Motahari"**. *Andishe Sadegh Quarterly, Research Center of Imam Sadegh University (AS)*, No. 6-7.

Archive of SID.ir